

«پدرسالاری جدید»

«نظریه‌ای درباره تغییرات تحریف شده در جامعه عرب»

نویسنده: هشام شرابی

ترجمه: سید احمد موثقی

۱- پدرسالاری جدید: مفهوم و واقعیت

پدرسالاری جدید

مقوله پدرسالاری جدید، مثل همه مفاهیم کلیدی تفسیرگر، در معرض خطر فروکاستگی^۱ قرار دارد. بزودی معلوم می شود که آیا من در گریز از این خطر، تا اندازه ای یا کاملاً، موفق خواهم بود یا نه. روشن ساختن منظوم از تعبیر پدرسالاری جدید، در آغاز کار مفید خواهد بود.

زمانی که من از این تعبیر در این نوشته استفاده می کنم در ذهنم مفهومی را در نظر دارم که دارای چند جنبه و چند مورد استفاده است که هر یک از طریق زمینه و بستری که در آن قرار دارد تعیین می گردد: مقوله ای تحلیلی، نمونه یا مدلی آرمانی^۲، اصلی تفسیرگر^۳، یک تئوری رسمی^۴. این مفهوم به طور یکسان به ساختارهای کلان^۵ (جامعه، دولت،

1- reductionism

2- ideal

3- interpretive

4- formal

5- macrostructures

سال گذشته، ساختارهای پدرسالارانه جامعه عرب به جای اینکه تغییر و تبدیل یابد یا واقعاً نوسازی شود، تنها تقویت شده و در اشکالی ناقص و از ریخت افتاده و «نوسازی شده» حفظ گردیده است. یعنی، بیداری یا رنسانس عربی (نهضت) در قرن نوزدهم، نه تنها موفق به فرو ریختن روابط درونی و اشکال پدرسالاری نشد، بلکه با آغاز آنچه بیداری مدرن نامیده شد، زمینه را برای ایجاد نوعی جدید و نامتجانس یا دورگه از جامعه / فرهنگ فراهم نمود - جامعه / فرهنگ پدرسالارانه جدید که امروزه با آن مواجهیم. نوسازی مادی، یعنی نخستین تجلی (ظاهری) تغییرات اجتماعی، تنها به خدمت ترمیم و تجدید سازمان ساختارها و روابط پدرسالارانه و تقویت آنها از طریق دادن صورتها و ظواهر «مدرن» به آنان، درآمد.

پدرسالاری جدید، هم از نقطه نظر مدرنیته و هم از لحاظ سنت پرستی، نه مدرن است و نه سنتی - به عنوان مثال، این مقوله به عنوان یک شکل بندی اجتماعی^۱ هم فاقد خصایص اشتراکی گمیشافت^۲ [جامعه مهر پیوند] است و هم فاقد ویژگیهای مدرن گزلفاشافت^۳ [جامعه سود پیوند]. پدرسالاری جدید یک شکل بندی اجتماعی آنتروپیک^۴ است که به وسیله طبیعت انتقالی و انواع خاص توسعه نیافتگی و عدم مدرنیته - مشهود در اقتصاد و ساختار طبقاتی و همینطور در سازمان سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آن - مشخص می شود. به علاوه، پدرسالاری جدید یک شکل بندی بغایت بی ثبات است که به واسطه تضادها و

اقتصاد) و به ساختارهای خُرد^۱ (خانواده یا شخصیت فردی) ارجاع دارد. پدیدۀ پدرسالاری جدید، آن گونه که در تاریخ رخ می نماید، معنایش را از دو اصطلاح یا واقعیت می گیرد که ساختار واقعی آن را تشکیل می دهند: مدرنیته و پدرسالاری. رابطه خاص این دو در فصل دوم مورد بحث قرار می گیرد. در اینجا همین قدر کافی است متذکر شویم که واژه پدرسالاری، به شکلی عام از جامعه سنتی اشاره دارد که در هر جامعه ای خصیصه متفاوتی به خود می گیرد، در حالی که واژه مدرنیته اشاره به توسعه تاریخی بی همتایی دارد که به صورت اصیل خود در اروپای غربی رخ نمود - اولین انقطاع تاریخی از سنت پرستی^۲. این دگرگونی یگانه، ضمن فراتر رفتن از پدرسالاری، آن را در خود هضم نمود و با همان حرکت، بین پدرسالاری سنتی و پدرسالاری نوسازی شده^۳ تمایز افکند؛ تمایزی که برای بحث ما اساسی است. پدرسالاری نوسازی شده باید به عنوان محصول اروپای مدرن مسلط به حساب آید؛ ولی «نوسازی»، به عنوان محصول شرایط پدرسالارانه و وابسته، تنها می تواند «نوسازی» وابسته باشد: روابط وابستگی به طور اجتناب ناپذیری نه به مدرنیته بلکه به پدرسالاری «نوسازی شده»، یعنی پدرسالاری جدید، منتهی می شود. نوسازی، در این عرصه، کنایه ای از مدرنیته وارونه شده^۴ می باشد.

بدین طریق تمایزات به عمل آمده میان سنتی و مترقی^۵، یا محافظه کار و رادیکال، در رابطه با جامعه عرب معاصر باید با دقت و ظرافت تمام انجام گیرد. فرضیه اساسی این تحقیق این است که در طول بیش از یکصد

1- social formation

2- Gemeinschaft

3- Gesellschaft

۴- entropic آنتروپی واحد اندازه گیری ترمودینامیک (فیزیک) است که در اینجا منظور مقیاسی از حالت

بی نظمی در یک نظام اجتماعی می باشد. (م)

1- microstructure

2- traditionality

3- modernized patriarchy

4- inverted

5- progressive